

جلوه‌های هنری تصاویر تشبیهی در خطبه‌های نهج‌البلاغه

مرتضی قائمی*

زهره طهماسبی**

چکیده

تابلوهای زیبای تشبیهی نهج‌البلاغه، از طرح‌های ابتکاری، رنگ‌آمیزی متنوع، وسعت و عمق بینش، مناظر پویا و پرتحرک، دقت و ظرافت، هماهنگی و تناسب شگفت‌آور، موسیقی سحرانگیز، وحدت و انسجام فوق‌العاده‌ای تشکیل شده که از خیالی قوی و عمیق و عاطفه‌ای جوشان و صادق و اندیشه‌ای غنی و خلاق سرچشمه گرفته است. از مهم‌ترین زوایای هنر امام(ع) در استفاده از تشبیه این است که ایشان مفاهیم مهم و اندرزهای انسانی را با استفاده از تشبیه در اختیار درک و فهم مخاطب قرار می‌دهد. قرآن کریم، اهل بیت، اسلام، دنیا و متعلقانش، تقوا و طاعت الهی، موضوعاتی هستند که بیشترین تشبیهات را به خود اختصاص داده‌اند. هنر و ادبیات امام(ع) و از جمله تصاویر ادبی وی برای خود هنر و ادبیات نیست و همه وجود ایشان در خدمت انسان‌سازی، هدایت‌گری و ارشاد و نجات مردم است.

کلیدواژه‌ها: تصویر، تشبیه، نهج‌البلاغه، امام علی(ع).

مقدمه

نهج‌البلاغه همواره در طول تاریخ چشمگیر خود به‌عنوان یکی از غنی‌ترین و پرتأثیرترین مجموعه‌های روایی شیعه، در پیش‌روی غواصان معانی ژرف و ریشه‌دار و جویندگان گوهرهای یک هنر متعالی است و در زمره درخشان‌ترین میراث‌های ادبی جهان قرار می‌گیرد.

* استادیار گروه زبان‌و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا، همدان Morteza_ghaemi@yahoo. Com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۱۰، تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۰/۲۴

خطبه‌های موجود در نهج‌البلاغه، بخش بسیار اندکی از هنرنمایی‌های حضرت امیر(ع) است که در این تألیف گران‌سنگ به‌دست ما رسیده است. خطبه‌های امام(ع)، نمونه‌ی اعلاایی از خطبه‌های دینی است با همه‌ی شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی که این نوع ادبی دارد، همچون درون‌مایه‌ی کلامی و اعتقادی بسیار قوی و تصویری از عاطفه‌ی رقیق، سیال و دارای یک شاکله‌ی کاملاً منطقی و نظام‌مند.

نهج‌البلاغه، آینه‌ی تمام‌نمای تصاویر سحرانگیز و مجموعه‌ی تابلوهای ترسیم‌شده از موضوعات مختلف و متنوع است که هر بیننده‌ای را مجذوب خود می‌کند و هر اندیشه‌ای را تغذیه می‌کند و از یک منبع و حیانی و عرفانی ناب سیراب می‌سازد. تابلوهای زیبای نهج‌البلاغه، از طرح‌های ابتکاری، رنگ‌آمیزی متنوع، وسعت و عمق بینش، مناظر پویا و پرتحرک، هماهنگی و تناسب شگفت‌آور، موسیقی سحرانگیز، وحدت و انسجام فوق‌العاده‌ای تشکیل شده است.

تصویر، پرکاربردترین اصطلاح نقد ادبی است که از دیرباز به اشکال و الفاظ مختلف در بلاغت اسلامی مطرح بوده و در دوره‌ی شکوفایی نقد جدید در ادبیات غرب محبوبیت بسیار یافته است. تصویرهای شعری و ادبی، تجربه‌های ادیب را صادقانه نشان می‌دهند. گاه تصویر در خدمت امری دیگر قرار دارد و گاه خود، پدیده‌ای مستقل است که ارزش آن در خود آن است. در کار هر هنرمند بزرگ و صاحب‌سبک، یک درون‌مایه‌ی مسلط وجود دارد که بر سراسر آثار او سایه می‌افکند و در لابه‌لای تصویرها، در فرم و ساختار و در مفهوم و مضمون آثارش حضور دارد. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۷۶، ۵۸ و ۳۷)

تصویر در حقیقت مجموعه‌ی امکانات بیان هنری است که در شکل‌گیری اثر ادبی مطرح است و زمینه‌ی اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی و رمزگونه‌های مختلف ارائه‌ی تصاویر ذهنی می‌سازد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۵)

از آنجاکه تشبیه پایه‌ی استعاره، اغراق و انواعی از اسندهای مجازی را می‌سازد، بررسی تصاویر تشبیهی یک اثر فاخر ادبی می‌تواند از ژرفای هنر و مضمون آن پرده برگیرد؛ بنابراین، برای رسیدن به کنه این مضامین و معانی اصیل و عمیق در نهج‌البلاغه، کاویدن سبک و ساختار تصاویر و صور خیال آن امری ضروری می‌نماید.

همچنین از آنجا که نحوه‌ی تصویرپردازی یک ادیب، شاخصه و نمود مناسبی جهت سنجش میزان و کیفیت هنرنمایی ادبی او است و یکی از مواردی که ضعف یا قوت تصویرپردازی‌های یک اثر ادبی را به‌روشنی نمایان می‌کند، تشبیهات به‌کاررفته در آن است،

می‌توان با بررسی چگونگی تصویرپردازی امام(ع) در تشبیهات خطبه‌های نهج‌البلاغه، رایحه‌ای از این گلستان دل‌با را دریافت و نمی‌از دریای هنروری و مضمون‌پردازی صاحب این اثر بی‌مانند را چشید و به راز و رمز جذابیت، نفوذ و فراوانی تشبیهات خطبه‌های نهج‌البلاغه پی برد و به پویایی، حرکت و غنای محتوایی آن دست یافت.

در شروح گوناگون نهج‌البلاغه - مانند شرح علامه ابن‌میثم بحرانی و آثار دیگری چون الامام علی صوت‌العدالة الانسانية و روائع نهج‌البلاغه اثر جرج جرداق و بلاغت نهج‌البلاغه اثر محمد خاقانی - به‌طور پراکنده درباره فصاحت، بلاغت و تصویرپردازی هنری در نهج‌البلاغه بحث شده، منتها در این پژوهش کوشش شده است خصوصیات جزئی و قابل ارزیابی تصاویر تشبیهی در نهج‌البلاغه - که در آثار مذکور توجه کمتری به آن مبذول شده است - معرفی شود. منبع اصلی این پژوهش، خطبه‌های نهج‌البلاغه بوده که تشبیهات موجود در آنها بررسی و تحلیل شده است.

۱. تصویرپردازی، تشبیه و عنصر خیال

هر چند که نمی‌توان ملاک‌های دقیقی برای ارزیابی زیبایی آثار ادبی و هنری ارائه داد، تصویرپردازی‌های یک ادیب و کمیت و کیفیت بهره‌گیری او از صنایع و فنون بلاغی، هنر ذاتی او را تا حد زیادی نشان می‌دهد و قابل ارزیابی و سنجش است. ادیب موفق کسی است که معانی و مفاهیم ارزشمند و تجارب مفید خویش را در قالبی زیبا از کلمات و جملات و تصاویر ادبی و هنری ارائه دهد.

بهره‌جستن از امکانات زبانی، نحوی، بلاغی و موسیقایی برای خلق یک منظره نو، با هدف زمینه‌سازی برای انتقال تجارب شعوری و مفاهیم متعالی صورت می‌گیرد که غالباً با استفاده از صنایع بیانی و بدیعی از قبیل تشبیه، کنایه، استعاره و مانند اینها طراحی و انجام می‌شود؛ گرچه گاهی عبارتی دلنشین اما خالی از انواع صنایع لفظی و معنوی می‌تواند تصویری جذاب تشکیل دهد؛ به این معنی که مفهوم تصویر از خیال، وسیع‌تر است و لزوماً بر انواع صور خیال تکیه ندارد. اصولاً غالب تصاویر ادبی با امکانات بیانی و موسیقایی خلق و ارائه می‌شود و شرط توفیق آنها همراهی فکری عمیق و واضح، عاطفه‌ای صادق و موسیقی منسجم و هماهنگی است تا بتوان تصاویری در قالب تابلوهای دقیق و دارای طرح و رنگ متناسب ایجاد کرد. (قائمی، ۱۳۸۸: ۵۷)

مفهوم تصویر، پیوند مستحکمی با مفهوم خیال دارد. خیال در لغت به معنی سایه، مترسک،

رؤیا و صورتی که برای انسان در بیداری یا خواب شبیه‌سازی می‌شود و نیز تصویری که در آیینۀ افتاده، آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۲ق و فیروزآبادی، بی‌تا: ذیل ماده «خال»)

خیال در اثر ادبی به پردازش بیانی و مجازی تجربه‌های شعوری اطلاق می‌شود و به عبارتی خیال به‌عنوان سرچشمه خلاقیت، آفرینش و اصالت هنری مطرح است؛ و خردباوران قرن هفدهم و هجدهم بر این نکته تأکید کرده‌اند که خیال به‌عنوان یکی از نیروهای ذهنی، تصویرها را در ذهن نقش می‌زند و آنها را با هم الفت می‌دهد. عالم خیال، عالمی نو و جدید است که برای مخاطب تکراری، یکنواخت و خسته‌کننده نیست و محدودیت زمان و مکان را از بین می‌برد.

در عالم مبتکرانه و جدیدی که امام(ع) می‌آفریند، تصاویر بدیعی ترسیم شده و صدها تصویر مشابه و متضاد برای مفاهیم دینی، اجتماعی، سیاسی و ... طراحی و ارائه شده است. اینها همه نتیجه ترکیب موفق مفاهیم با عاطفه و خیال است که با خلق زیبایی، مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خیال وسیع و عمیق و متنوع درکنار عاطفه صادق، دقیق، متناسب، با حرارت و قوی، به مفاهیم ارزشمند متعالی انسانی تجسم بخشیده و مخاطب را در تعامل با خدا، خویش، هستی و هم‌نوعان، بینش و نگرش سازنده و عمیق عطا کرده است. بنابراین، از مهم‌ترین عوامل و اسباب زیبایی و جذابیت تصویرهای نهج‌البلاغه، خیال قوی و عمیق و خلاقیت امام(ع) در خلق مناظر و تصاویر هنری جدید است.

ذکاوت و هوش خارق‌العاده و خیال غنی و سرشار در ادبیات امام(ع)، با عاطفه سرشاری که آنها را پشتیبانی می‌کند، به هم می‌پیوندند. اینجا است که فکر، پویایی و حرکت می‌یابد و خونی داغ در رگ‌های آن جریان می‌گیرد که شعور و احساس شنونده را مخاطب قرار می‌دهد، همان مقدار که عقل را مخاطب خویش می‌سازد، چرا که این فکر از عقلی سرچشمه گرفته که عاطفه‌ای بسیار پرحرارت آن را همراهی می‌کند. (جرداق، ۱۴۰۹ق: ج ۱/ ۵۱۷)

خیال، عنصری از عناصر ادب و از عوامل برانگیزاننده عاطفه زیبایی و در ضمن از نتایج این عاطفه و مشتمل بر لذت ابتکار است، چراکه باعث تکمیل اندیشه هنرمند و آفرینش فکر تازه‌الهام‌گرفته از آن می‌شود. (غریب، ۱۳۷۸: ۴۹)

خیالی که در ادب به‌کار می‌رود، ارتباطی بسیار وسیع و نزدیک با عواطف بشری دارد. هرگاه عاطفه قوی باشد، نیازمند خیالی قوی است که آن را همراهی و به آن کمک کند و در نتیجه، ضعف و قوت هر یک از آنها بر دیگری تأثیر می‌گذارد. (امین، ۱۹۲۸م: ۶۲)

ادیب همواره می‌کوشد در خلق اثر ادبی هنرنمایی و در معانی تنوع ایجاد کند؛ اهدافی

چون عمق‌بخشی به مضامین، وسعت‌بخشیدن به نیروهای الهام‌بخش و رازآلود، توجه به شیوایی و وضوح موشکافانه، تلاش برای زیبایی و تأثیر هر چه بیشتر در جان انسان‌ها از راه تحریک عقل‌ها و احساسات آنان و پی‌ریزی حسی مشترک در میان افراد بشر.

این رنگارنگی و تصویرسازی در اسالیب بیان یک مطلب، همان است که به آن تصویر بیانی می‌گویند و از مهم‌ترین ارکان آن آوردن یک معنای واحد به طرق مختلف و در لباس‌های گوناگون است. (ابوحق، ۱۹۸۸م: ۱۰ - ۱۱)

تشبیه یعنی نشان‌دادن اشتراک چیزی با چیز دیگر در یک معنا یا قرارداد همانندی بین دو چیز یا بیش از آن که اشتراک آنها در یک صفت یا بیشتر از یک صفت مقصود است، مشروط به اینکه این همانندی به صورت استعاره تحقیقیه و استعاره بالکنایه و یا به شیوه تجرید نباشد. (تفتازانی، ۱۳۸۳ق: ۱۸۸)

روشن‌ساختن زوایای کلام و نزدیک‌کردن مفهوم آن به ذهن مخاطب، از دیگر مزایای تشبیه است. بیان آنچه به‌خاطر می‌گذرد در قالب تشبیه، دامنه‌ای وسیع دارد و به گویندگان و نویسندگان امکان می‌دهد از این راه، معانی را در اعماق ذهن و احساس جای دهند و او را مسخر کلام خویش سازند. پس بلاغت تشبیه این است که دو چیز را در یک جا به یک معنی جمع می‌آورند.

تشبیه است که با آن، پنهان‌ترین و پیچیده‌ترین کلام به واضح‌ترین بیان تبدیل و دور نزدیک می‌شود. در کتاب *المثل السائر* نیز آمده است که تشبیه سه ویژگی مبالغه، تبیین و روشنگری، و ایجاز را در یک‌جا جمع می‌کند. (فاضلی، ۱۳۷۶: ۱۴۹؛ ابن‌رشیق، ۱۴۱۶ق: ۴۵۶/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۲م: ۱۲۳/۲)

همچنین تشبیه، غالباً نوعی استدلال منطقی و اثبات و تقریر کلام در ذهن مخاطب را در خود نهان دارد و وجود استدلال منطقی همراه با نوعی لطافت و ظرافت در انواع تشبیه به وضوح قابل ملاحظه است.

با تشبیه، عالمی جدید از خیال می‌توان خلق کرد که تکراری، مأنوس و شناخته‌شده نیست و لذا طراوت، زیبایی، لطافت و جذابیت دارد و توجه مخاطب را به‌خود معطوف می‌دارد و این، خصوصیت اصلی همه صور خیال است.

امام علی (ع) در جای‌جای خطبه‌های خویش، از تشبیهات دقیق، پویا، متناسب و زیبا استفاده کرده و با ذوق ادبی، نبوغ هنری و توان‌مندی منحصر به فردی که به او عطا شده، تابلوهای بی‌ظنیری ترسیم کرده است که همه حواس مخاطب را درگیر می‌کند و چشم،

گوش، قلب و روح او مشحون از اعجاب و تحسین می‌شود و جذابیت تصاویر، شنونده را مدهوش می‌کند و زمینه انتقال پیام‌های انسانی - اسلامی را در حوزه‌های گوناگون فرهنگ، سیاست، زمامداری، امامت، اخلاق، زهد، دینداری، ... فراهم می‌آورد.

۲. بررسی معنائشناسی تشبیهات خطبه‌ها

اگر به عنوان اولین گام در جهت واکاوی تشبیهات خطبه‌های امام علی (ع)، گشت و گذاری در ساحت معنایی این فضای دل‌انگیز کنیم، در می‌یابیم که آفریننده ژرفاندیش این مضامین آسمانی آن‌چنان چیره‌دست است که هرگاه اراده می‌کند، مخاطب را می‌گریاند و هر وقت اراده می‌کند، خنده بر لب شنونده می‌نشانند، او را خوشحال می‌کند یا غمگین و عصبانی می‌کند، او را امیدوار می‌سازد یا از عواقب عملی نگران و مضطرب می‌کند؛ و این، همان مأموریت اصلی یک اثر هنری و ادبی ناب است که به زیبایی در خدمت انسانیت، دین و اخلاق قرار گرفته است. امیر بیان (ع) به هنگام طرح موضوع، آن را با دقت از زوایای مختلف تصویرپردازی می‌کند؛ خصوصاً در موضوعاتی که اهمیت بیشتری دارند. تصویرپردازی‌های مکرر جهت شناساندن دقیق موضوع و تثبیت پیام در فکر و ذهن شنونده، از خصوصیات ادبیات امام علی (ع) است. (قائمی، ۱۳۸۸: ۶۳)

۲.۱ تنوع موضوعات و تنوع تشبیهات

یکی از مهم‌ترین زوایای هنر امام (ع) در استفاده از تشبیه این است که ایشان با نبوغ خاص خود، مباحث ذهنی، عقلی، کلامی، حکمت، اندرز، ... را که اموری انتزاعی و مجرد هستند و از محدوده محسوسات و ملموسات خارجند، با استفاده از تشبیه، لباس حسی می‌پوشاند و مفهوم مورد نظر را در دسترس حواس پنج‌گانه - به‌ویژه بینایی و شنوایی - قرار می‌دهد. از آنجا که هنر و ادبیات امام (ع) برای هنر و ادبیات نیست و تمامی وجود ایشان در خدمت انسان‌سازی، هدایتگری و ارشاد و نجات مردم است، به‌کارگیری تشبیه و سایر ابزارهای بیانی و صورخیال در همین راستا و به هدف روشنگری، اصلاح و انسان‌سازی انجام شده است. بنابراین، یکی از اساسی‌ترین وجوه اختلاف ادبیات امام (ع) با بسیاری از آثار ادبی دیگر در همین نکته نهفته است که امام (ع) در پی هنرنمایی و قدرت‌نمایی ادبی، برتری‌جویی و امثال اینها نبوده، بلکه برعکس، هنر امام (ع) ابزاری است که برای تقویت دیانت و نجات مردم به‌کار رفته است؛ بر همین اساس، بر موضوعاتی چون توحید، امامت،

عدل، دنیا، آخرت، مرگ، فضایل و رذایل اخلاقی، ... که در جهان بینی و ایدئولوژی انسان تأثیری حیاتی دارند. بیشتر از هر موضوع دیگری تأکید شده است.

نکته‌ای که رسالت اصلی یک هنرمند جهانی و صاحب یک شاهکار هنری است، زبان گویای مسائل اهل زمانه خویش و نبوغی چشمگیر است که بتواند فرازمانی و فرامکانی بیندیشد و هنر خود را هدیه‌ای برای ذوق بشر در همه زمان‌ها و مکان‌ها قرار دهد.

۲.۱.۱ اهل بیت (ع)

امام (ع)، اهل بیت را مخزن اسرار پیامبر (ص)، نگهبان دین، مخزن علم پیامبر (ص)، کوه‌های پرافراشته، پناهگاه مردم، پرچم و نشان دین، زبان صداقت، درخت نبوت، منزل رسالت، محل آمدوشد ملائکه، معدن علم، سرچشمه حکمت، گنجینه‌داران نبوت، گذرگاه رسالت، ... برشمرده است که هر کدام از این تصاویر، بخشی از زوایای تابناک و ارزشمند وجودی اهل بیت (ع) را روشن می‌سازد. از جمله در تصویر تمثیلی زیر:

ألا إن مثل آل محمد صلی الله علیه و آله کمثل نجوم السماء إذا خوی نجم طلع نجم.
(نهج البلاغه: ۹۲)

همانا مثل آل محمد (ص) چون ستارگان آسمان است که اگر یکی افول کند، ستاره دیگری بر می‌آید.

در خطبه ۱۰۹ نیز با استفاده از ابزار تشبیه، تابلوهای چشم‌نوازی درباره جایگاه اهل بیت (ع) ترسیم شده است:

نحن شجرة النبوة ومحط الرسالة ومختلف الملائكة ومعادن العلم وینایع الحكم. (نهج البلاغه: ۱۰۶)
ما درخت نبوت و منزلگاه رسالت و جای آمدوشد ملائکه و معادن علم و چشمه‌ساران حکمت هستیم.

۲.۱.۲ قرآن کریم

زیباترین و بیشترین تصاویر تشبیه خطبه‌های نهج البلاغه در خصوص معرفی قرآن کریم طراحی و ترسیم شده‌اند. امام (ع)، قرآن کریم را جبل متین، نور مبین، شفای دردها، سیراب‌کننده تشنگان، منجی، حافظ، سخنور بلیغ، بنیان مستحکم، نور دائم، چراغ خاموش نشدنی، دریای عمیق، راه راست، فاصل حق و باطل، عزت دائم، معدن ایمان، سرچشمه علم، دریای دانش، پایه و ستون دین، باغستان عدالت، وادی حقیقت، بهار دل‌ها، سبزه‌زار حقیقت، پرچم و نشان هدایت، مقصد راه پارسایان، دژ مستحکم، مرکب نجات، سپر، ... خوانده است:

ثم أنزل عليه الكتاب نورا لا تظفأ مصابيحها و سراجا لا يخبو توقده و بحرا لا يدرك قعره و منهاجا لا يضل نهجه و شعاعا لا يظلم ضوءه و فرقانا لا يخمد برهانه و تبيانا لا تهتم أركانها و شفاء لا تخشى أسقامه و عزاً لا تهزم أنصاره و حقاً لا تخذل أعوانه فهو معدن الإيمان و بحبوحتها و ينابيع العلم و بحوره و رياض العدل و غدرانه و أنافى الإسلام و بنيانه و أودية الحق و غيطانه و بحر لا ينزفه المستزفون و عيون لا ينضبها الماتحون و مناهل لا يغيضاها الواردون و منازل لا يضل نهجها المسافرون و أعلام لا يعمي عنها السائرون و اكام لا يجوز عنها القاصدون جعله الله رباً لعطش العلماء و ربيعا لقلوب الفقهاء و محاج لطرق الصلحاء و دواء ليس بعده داء و نورا ليس معه ظلمة و حبلا وثيقا عروته و معقلا منيعا ذروته و عزاً لمن تولاه و سلما لمن دخله و هدى لمن اتئم به و عذرا لمن انتحله و برهانا لمن تكلم به و شاهدا لمن خاصم به و فلجا لمن حاج به و حاملا لمن حمله و مطية لمن أعمله و آية لمن توسم و حنة لمن استلأم و علما لمن وعى و حديثنا لمن روى و حكما لمن قضى. (نهج‌البلاغه: ۲۳۴)

سپس قرآن را بر او فرو فرستاد، به عنوان نوری که چراغش خاموش نمی‌شود، چراغی که شعله‌اش فرو نمی‌نشیند، دریایی که ژرفای آن را کسی نمی‌شناسد، راهی که رهروش را گمراه نمی‌کند، پرتوی که فروغش تیرگی نپذیرد، فرقانی که نور برهانش خاموش نشود، تبیانی که ارکانش ویران نشود، بهبودی که بیم بیماری در آن راه ندارد، عزتی که یارانش را شکست نباشد، حقی که یاورانش را خواری و ذلتی نیست. پس قرآن معدن و بحبوحة ایمان است و چشمه‌سار و دریای دانش، باغستان عدل و آبگیر عدالت است، بنیاد و بنیان اسلام است، وادی حق است و سبزه زارانش. دریایی است که برداشت از آن هرگز خشکش نمی‌کند و چشمه‌ساری است که کشندگان آب، آبش را به ته نرسانند، آبشخوری است که آیندگان آب آن را کم نکنند و منزلگاهی است که مسافران راهش را گم نکنند، نشان‌هایی است که راه‌جویان تا انتهای راه آن را می‌بینند و پشته‌هایی است که روی آوردگانش از آن نگذرند. خداوند آن را مایه سیرابی دانشمندان گردانیده است و بهار دل‌های فقیهان و مقصد راه‌های صالحان و دارویی که پس از آن بیماری نماند و نوری که با آن تاریکی باقی نباشد و ریسمانی که دستاویزش استوار است، پناه‌گاهی که قله‌ای بلند و نگهدارنده دارد و مایه عزت دوست‌دارانش و امان کسی است که در آن وارد شود و مایه هدایت کسانی است که به آن اقتدا می‌کنند، عذرخواه کسی است که آن را به مذهب خود گیرد و برهان کسی است که بدان سخن گوید و گواه کسی است که در مخلصیت از آن کمک گیرد و مایه پیروزی کسی است که آن را حجّت خویش قرار دهد، راهنمای کسی است که آن را به کار گیرد، مرکب کسی است که آن را به کار آورد و نشان کسی است که در آن بنگرد، سپر کسی است که خود را در پناه آن قرار دهد، دانش کسی است که آن را به‌خوبی به‌خاطر بسپارد و حدیث کسی است که بخواهد روایت کند و حکم کسی است که بخواهد حکم دهد.

۲.۱.۳ دنیا

از آنجا که نهج البلاغه، دایرةالمعارف تربیت و هدایت است، به موضوع دنیا و محاسن و معایبش به عنوان یکی از موضوعات اساسی در جهان بینی انسان، بسیار توجه شده است. امام علی(ع) در تصویرپردازی های هنری خویش همواره تلاش کرده است به نظریات اسلام در خصوص دنیا تجسم عینی بخشد و مفاهیم ذهنی و انتزاعی را در قالب محسوسات در دسترس احساس و ادراک مخاطب قرار دهد.

امام پارسایان از سویی بینش خود درباره بی ارزش بودن، ناچیزی و فناى دنیا با تعابیر گوناگون به زیبایی تشریح و تصویر کرده است. در نگرش امام(ع)، دنیا از عطسه بز کم ارزش تر است:

ولألقیت دنیاکم هذه أهد عندی من عطفة عنز. (نهج البلاغه: ۱۱)

در خطبه ۱۹۱ نیز دنیا به زن فریبکار، مرکب سرکش، دروغگویی خیانتکار، ستیزه جوی و حق شناس ناسپاس، ... تشبیه شده است:

ألا وهی [الدنيا] المنتصبة العنون و الجامحة الحرون و المائنة الخؤون و الجودالکنود و العنودالصدود و الحیودالمیود. (نهج البلاغه: ۲۰۹)

در این عبارت موجز، تعدد تشبیهات و تصاویر دنیا به همراه موسیقی دلنشین موازنه، سجع، جناس، تکرار صوتی، تکرار وزن مبالغه (فعول)، تنسیق صفات، فصاحت الفاظ و وضوح و شیوایی مفردات، باعث زیبایی مضاعف و جذابیت فوق العاده کلام شده است.

دنیا در تعابیر دیگری از خطبه های امام علی(ع)، به صورت دار فانی، سایه، ستون کج، منزل گذر، بنای درحال ویرانی، منزل رنج، مرکب سرکش، کوی زندگی تلخ، ... ترسیم شده است. امام(ع) درباره باقی مانده دنیا می فرماید:

ألا و إن الدنيا قد ولت حذاء فلم یبق منها إلا صباة كصباة الإناء اصطیها صابها. (نهج البلاغه: ۴۰)

آگاه باشید که دنیا پشت کرده و شتابان می رود و از آن جز اندکی باقی نمانده است، همچون قطره های مانده بر ظرفی که آب آن را ریخته اند و خالی است.

از سوی دیگر، امام علی(ع) از یک زاویه دید بسیار لطیف، دنیا را می ستاید و از آن با تعابیری چون سجده گاه مؤمنین، محل تجلی برکات و نعمات خداوند و جایگاهی که در آن باید آخرتی روشن و امن را ساخت، یاد می کند. به عبارت دیگر، دنیا فی حدنفسه در نگاه امام

مظهر شرارت و بدی و تیرگی نیست، بلکه آنچه نزد امام(ع) منفور و نکوهیده است، دنیازدگی و مادی‌گرایی است. (نهج‌البلاغه: ۳۸۴)

۲.۱.۴ فضایل و رذایل اخلاقی

تقوا نیز به‌عنوان برترین مایه کرامت انسان، جلوه خاصی در خطبه‌های نهج‌البلاغه دارد و تصاویر و تعبیر تشبیهی متعددی را به‌خود اختصاص داده است. از تقوا به‌عنوان توشه راه، دژ استوار، داروی درد قلب‌ها، بصیرت دل‌ها، شفای امراض، نور دل‌ها، سپر، راه بهشت، ذخیره سفر مرگ و مرکب راهوار راه بهشت تعبیر شده و از اهل تقوا به‌عنوان چراغ شب تار، نابود کننده تیرگی‌ها، کلید درهای بسته، راهنمای بیابان گمراهی، معدن دین و اوتاد زمین یاد شده است. هر کدام از این تشبیهات، زاویه‌ای از زوایای ارزشمند و جهات مفید و نجات‌بخش تقوا و پرهیزکاران را به‌تصویر می‌کشد:

أما بعد، فإني أوصيكم بتقوى الله الذي ابتداء خلقكم وإليه يكون معادكم و به نجاح طلبتكم وإليه منتهى رغبتكم و نحوه قصد سبيلكم وإليه مرامي مفزعكم، فإن تقوى الله دواء قلوبكم، و بصر عمى أفندتكم، و شفاء مرض أجسادكم، و صلاح فساد صدوركم، و ظهور دنس أنفسكم و جلاء عشا أبصاركم و أمن فزع جأشكم و ضياء سواد ظلمتكم. (نهج‌البلاغه: ۲۳۲)

بعد از حمد و ثنای الهی، شما را به تقوا و ترس از خدایی سفارش می‌کنم که شما را آفرید. بازگشت شما هم به سوی اوست و برطرف‌شدن نیازهای شما به خواست اوست. نهایت رغبت و مطلوب شما به‌دست او و منتهای راه شما به درگاه اوست. او تنها پناهگاه شماست. تقوای الهی، داروی درد دل‌های شما و موجب بینایی بینش کور شماست و ترس از خدا شفای بیماری جسم و اصلاح‌گر فساد سینه‌های شما، پاک‌کننده آلودگی جان‌های شما، روشنی‌بخش تاریکی دیده‌هاتان، ایمنی‌بخش دل‌های نگران و بیمناک شما و مایه روشنی وجود شما از هر تاریکی است.

در این عبارات، تشبیهات دقیق، پویا، مکرر و متناسب با مفاهیم به‌کار رفته و مناسب‌ترین کلمات و جملات گزینش شده است.

همچنین، امام(ع) در عبارتی نغز و پرمحتوا از خطبه ۱۹۱ می‌فرماید:

أوصيكم عبادالله بتقوى الله فانها حق الله عليكم والموجبة على الله حَقكم و أن تستعينوا عليها بالله و تستعينوا بها على الله، فإن التقوى فى اليوم الحرز و الجنة و فى غد الطريق إلى الجنة ... (نهج‌البلاغه: ۲۰۹)

ای بندگان خدا، شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، که تقوا حق خدا بر شماست و موجب حق

شما بر خدا می‌شود و اینکه از خدا در پرهیزکاری یاری جوید و از پرهیزکاری در به‌جا آوردن حق خدای تعالی یاری طلبید، چرا که تقوا امروز سپر و پناهگاه و فردا راه بهشت است.

در این عبارت نیز تقوا به پناهگاه و سپر در دنیا و راه بهشت در آخرت تشبیه شده است. امام علی(ع) به‌عنوان هدایتگر و مصلح انسان‌ها، تلاش می‌کند تصاویری دقیق از فضایل و رذایل اخلاقی ارائه دهد تا مخاطب مشتاقانه به‌سوی فضایل بشتابد و از رذایل اخلاقی احتراز جوید؛ از جمله در خطبه دوازدهم، گناه چون اسب سرکش و افسارگسیخته‌ای معرفی شده است که سوار خود را به‌سوی هلاکت پیش می‌برد و درمقابل، تقوا چون مرکب راهواری است که زمامش در اختیار سوارش است و به‌سوی بهشت در حرکت است:

ألا و ان الخطايا خيل شمس حمل عليها أهلها و خلعت لجمها، فتقحمت بهم في النار. ألا و إن التقوى مطايا ذلل حمل عليها أهلها و أعطوا أزمتهما، فأوردتهم الجنة. (نهج البلاغه: ۱۷)

خطبه ۱۹۸، از خطبه‌های بسیار غنی و شگفت‌انگیز نهج البلاغه و در تصویرپردازی شاهکاری ارزنده است. در این خطبه، تصاویر متعدد و متنوع از تقوا، اسلام، قرآن، طاعت الهی، ... طراحی و ترسیم شده است که درس‌های آموزنده و پرمحتوایی را دربر دارد؛ از جمله بر اطاعت از اوامر الهی با تصویرپردازی هنری امام علی(ع) تأکید فراوان شده است. امام(ع)، طاعت الهی را پناهگاه، امیر، شفیع، سپر، چشمه آب روان، چراغ تاریکی قبر، آرامه تنهایی، ریسمان نجات، ... خوانده است.

فاجعلوا طاعة الله شعارا دون دثاركم و دخيلا دون شعاركم و لطيفا بين اضلاعكم و أميرا فوق أموركم و منهلا لحين ورودكم و شفيعا لدرک طلبتكم و جنة ليوم فزعكم و مصاييح لبطون قبوركم و سكنا طول وحشتكم و نفسا لكرب مواطنكم، فإن طاعة الله حرز من متالف مكتنفة و مخاوف متوقعة و أوار نيران موقدة. (نهج البلاغه: ۲۳۲)

پس فرمانبرداری خدا را پوشش درون و جان خود کنید، در زیر هر پوشش و لباس ظاهری دیگر تا بین پهلوهای شما (درون شما) را دربر گیرد. فرمانبرداری را امیر امورتان سازید و آبشخوری برای زمانی که بدان درمی‌آید و شفيعی برای روا شدن حاجات و سپری برای زمان وحشت و چراغ‌های روشنی برای درون قبرهایتان، آرامه تنهایی طولانی و غم‌زدای منزلگاه‌هاتان؛ چرا که فرمانبرداری خدا، پناهگاه شماست در هلاکت‌گاه‌های نهان و اماکن وحشت که بیم افتادن در آن است و پناه شما از شعله‌های آتش سوزان است.

در تصویرپردازی‌های امام علی(ع)، نماز، طوفانی است که گناهان را چون برگ پاییزی به زمین می‌ریزد و یوغ معصیت را از گردن انسان می‌گشاید:

إنها [الصلاة] لتحت الذنوب حت الورق و تطلقها إطلاق الربق. (نهج‌البلاغه: ۲۳۵)

از دیگر موضوعات پربسامد تشبیهات امام(ع) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تصویر نماز، انتظار فرارسیدن حاکمیت و زمامداری صالحان، ترسیم سیمای زمامداران دنیا طلب، مذمت خشم و غضب و عصبیت جاهلی، ترسیم سیمایی دلنشین و مهربان از حضرت رسول (ص)، تشبیه افراد فاقد علم و ایمان به چهارپایان و سنگ‌های سخت، آوردن توصیف‌هایی هولناک و تأمل‌برانگیز از فتنه‌ها، تشبیه افرادی که از جهاد در راه حق می‌گریزند به گلهٔ سوسمارانی که فرار می‌کنند و یا شترانی که مهارشان رها شده است. همین جستار اندک در موضوعات نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین درد و دغدغهٔ خطیب روشن‌بین آن، درد دین و هدایتگری نسل‌های بشر بوده و والاترین دستاورد و ثمرهٔ شیرین این شاهکار ادبی، تعلیم و تربیت مخاطبان و تزکیه و پرورش گوهر فاخر انسانیت در نهاد آنان و اعطای یک جهان‌بینی صحیح و متعالی است، یعنی ارزشمندترین هدفی که می‌تواند در جهان خلقت محقق شود، چه خداوند بالاترین هدف انبیا را نیز تزکیهٔ انسان‌ها معرفی می‌کند: .. یزکیهم و یعلمهم ... (آل عمران، ۱۶۴/۳ و جمعه، ۲/۶۲)

۲.۲ حرکت و پویایی تشبیهات

یکی از شاخصه‌های مهم ارزیابی تصاویر فنی و از جمله تشبیهات، پویایی، حرکت و حیات آنها است. حرکت و حیات باعث جذابیت تصویر و انتقال آسان پیام‌ها به مخاطب می‌شود. تشبیهاتی که امام (ع) در کلام خویش به‌کار گرفته است، به شکلی بسیار بارز و آشکار، پویایی، حرکت و حیات دارد. از این رو، مفاهیم مجرد و انتزاعی و مفاهیم پیچیدهٔ عقلی و فلسفی به موجود یا پدیده‌ای پرتحرک، مهیج و پویا تشبیه می‌شوند و به این وسیله در دسترس حواس مخاطب قرار می‌گیرند. حرکت و پویایی، از راه‌های مختلفی ایجاد می‌شود؛ از جمله:

۲.۲.۱ موجودات زنده در تصاویر تشبیهی

یکی از راه‌های ایجاد حرکت و حیات در تصاویر هنری، استفاده از موجودات زنده در آن است. در این راستا، استفاده از جانداران و موجودات زنده به‌عنوان مشبه‌به، جایگاه ویژه‌ای در کلام امام(ع) دارد، چرا که پویایی و زیبایی بیشتر تصویر را در پی دارد. تشبیه مردم زمانهٔ جهل به گرگ، سلاطین دورهٔ نادانی به حیوانات درنده، روزگار به حیوان درنده، گریز مردم از حق به فرار بز از غرش شیر، فراریان از جنگ به سوسمارهای

خزنده، حاکمان بنی امیه به شتران چموش، از جمله تشبیهات پرتحرک و پویایی است که در خطابه امام(ع) به کار رفته است.

تشبیه تمثیلی حال مردم دنیا و عملکرد خوب و بد آنها به حال سوارکاران در میدان مسابقه و چگونگی پیروزی آنها و جوایزشان، از تصاویر پرهیجان و دقیقی است که امام علی(ع) هنرمندانه به کار برده است.

۲.۲.۲ بررسی عناصر برگرفته از انسان و زندگی انسانی

عناصر طبیعی تشبیهات امام(ع) اکثر از اجزایی از زندگی عادی و محیط طبیعی پیرامون مخاطبان اخذ شده است؛ خصوصاً وقتی مشابه‌ها از عناصر برگرفته از زندگی انسانی انتخاب می‌شوند. این اجزا ساده و در دسترس هستند و از میان اشیای پیش‌پاافتاده همین زندگی عادی مردم برگزیده شده‌اند که در نگاه اول شاید تصور شود از این عناصر ساده و بی‌رنگ و لعاب نمی‌توان تشبیهاتی جذاب و صحنه‌هایی ماندگار در ذهن خلق کرد؛ اجزایی چون سپر، راه، مرکب، ظرف خالی از آب، خانه ویران، ستون شکسته، تیغ بران، جامه پوسیده، چراغ، آتش‌زنه، آب زلال و صدها مقوله ساده و در دسترس و دارای بار معنایی اندک یا متوسط که مسیحای نهج‌البلاغه روح حیات و تحرک و جاودانگی در کالبد خاموش آنها می‌دمد و آنها را جزئی از یک تصویر پرتپش و یک تشبیه تأمل‌برانگیز می‌سازد.

تشبیه انسان به انسان در تصاویر خطبه‌ها کمتر دیده می‌شود؛ مثل آنجا که امام(ع)، حضرت رسول(ص) را در خطبه ۱۰۸ به طیب ماهری که بر بالین هر بیمار حاضر می‌شود، تشبیه کرده است که قلب کسانی را که از چراغ دانش بهره‌ای نگرفته‌اند و آتش‌زنه علم را مایه روشنی جان قرار نداده‌اند، معالجه می‌کند؛ و در مقابل، این افراد را به چهارپایان و سنگ‌های سخت مانند کرده است.

در خطبه ۹۷، تصاویر دیگری از افراد گریزان از جنگ ارائه شده است. در این خطبه، آنها به حضران چون غایب، ارباب در گفتار و غلام در رفتار، رم‌کننده از حکمت و کمان خمیده تشبیه شده‌اند که در برابر دعوت به جهاد همچون قوم سبا پراکنده می‌شوند و اندرزدادن به آنها در آهن سرد کوبیدن و سنگ خارا را به ناخن سودن است. (نهج‌البلاغه: ۸۹)

در بخشی از تشبیهات موجز خطبه ۱۹۲ خشم، غضب و عصبیت به آتش سوزان تشبیه؛ و کبر چون بادی ترسیم شده است:

... پس آتش عصبیت را که در دل‌هایتان نهفته است، خاموش سازید. (نهج‌البلاغه: ۲۱۳)

... حمیت، آتش غضب در دل او افروخت و شیطان باد کبر در دماغش دمید.
(نهج‌البلاغه: ۲۳۲)

در خطبه ۸۶ نیز حسادت، به آتش سوزان تشبیه شده است که ایمان را نابود می‌کند:
ولا تحاسدوا فإن الحسد يأكل الإيمان كما تأكل النار الحطب. (نهج‌البلاغه: ۶۸)

از خلال همین نمونه‌های اندک، چهره عناصر بی‌جان طبیعت در خطبه‌های امام(ع) به خوبی ترسیم و معلوم می‌شود که بیان ساده خطیب نهج‌البلاغه، چگونه از تلفیق اشیای در دسترس چون آب و آتش، سنگ و ریسمان، ستون شکسته خانه‌ها، تیغ و سپر و راه‌های بیابان، تصاویر تازه و زنده‌ای می‌آفریند، آن هم نه خلق تصاویر برای هنرنمایی، بلکه برای رشد و تعالی و هشدار به نسل بشر؛ و این از سادگی و همه‌فهم بودن تصاویر خلق شده به خوبی پیدا است.

۲.۲.۳ ظهور عناصر طبیعت در تصاویر تشبیهی

عناصر طبیعت همواره یکی از پویاترین و پرکاربردترین اجزای صور خیال شاعران و ادیبان در همه دوره‌های ادبی بوده است. در نهج‌البلاغه اجزای طبیعت جاندار و بی‌جان اغلب به صورت مشابه در تشبیهات حضور دارند و گاه نیز مشابه واقع می‌شوند تا پیوند ناگسستنی زبان و ادبیات امام(ع) را با طبیعت پیرامونی اثبات کند؛ چنان که گفته‌اند:

ادبیات سه قرن اول، ادبیات طبیعت است، اگرچه طبیعت از عناصر همیشگی و اولیه شعر و ادب در هر زمان و مکانی است و هیچ‌گاه نمی‌توان طبیعت را از ادبیات جدا کرد؛ چرا که در این دوره، ادبیات برون‌گرا است و دید ادیبان بیشتر در سطح جریان دارد و در ورای پرده طبیعت و عناصر مادی هستی، چیزی نفسانی و عاطفی را کمتر می‌جوید، بلکه مانند نقاشی دقیق که همه کوشش خود را صرف ترسیم دقیق موضوع می‌کند، همت خود را صرف نسخه‌برداری از طبیعت و دنیای پیرامونی می‌کند و کمتر یک حالت ذهنی و یا عاطفی در توصیفات این دوره یافت می‌شود. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۳۱۷)

اما خطبه‌ها و نوشته‌های امام(ع)، با وجود بهره‌گیری بسیار عمیق و گسترده از عناصر و تصاویر طبیعت، معانی ژرف و تأثیرگذار فراوانی را در خود جای داده است. در آثار هنری دوره‌های نخستین تکامل ادبی، اغلب، تأثرات درونی ادیب تجلی نمی‌یابد تا اثر ادبی را به زمینه‌های درونی بکشاند؛ اما خطبه‌ها و نوشته‌های امیر بیان در نهج‌البلاغه آن‌چنان سرشار از معانی عمیق و تأثرات شخصی و مفاهیم بلند انسانی است که به خوبی سیمای یک اثر هنری ممتاز و ماندگار را بی‌آنکه متعلق به دوره ادبی خاصی باشد، به نمایش می‌گذارد.

طبیعت در آثار ادبی این دوره، به دو گونه مطرح می‌شود:

(الف) توصیف به‌خاطر توصیف که توصیف‌های خالص و وصف به‌خاطر وصف را شامل می‌شود و نوعی نقاشی است و شاید بتوان گفت نوعی بروز نمونه‌های اولیه هنر برای هنر است؛ چیزی که ابداً در توصیفات و تصاویر امام علی (ع) دیده نمی‌شود، زیرا ساحت معنایی آثار امام (ع) پیراسته‌تر و ملکوتی‌تر از آن است که بخواهد دل و جان مخاطب را مشغول تصاویر فریبده‌ای کند که بار معنایی چشمگیری به‌همراه ندارد.

(ب) قطعاتی ادبی درباره طبیعت که به بهانه مدح خلق می‌شود یا به‌ندرت موضوعی دیگر است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۳۱۷-۳۱۸) باز هم اگر دقیق بنگریم، خطبه‌های امام (ع) از این دست هم نیست؛ یعنی طبیعت‌گرایی آثار آن حضرت (ع) به‌گونه‌ای نیست که خود، موضوعی محوری در آثار بوده باشد، بلکه تنها دستاویزی برای بیان هنرمندانه و دلربای مفاهیم ژرف و عظیم دینی و اخلاقی قرار می‌گیرد و آن‌قدر نامحسوس در تار و پود معانی تنیده می‌شود که غالباً شنونده به‌راحتی در نمی‌یابد که آن لذت ادبی که از یک تصویر احساس کرد، حاصل حضور یکی از عناصر طبیعت بوده است. ادیب *نهج‌البلاغه*، معانی ناب و ریشه‌دار را از سویی و ذهن محدود و این‌جهانی مخاطب را از سوی دیگر درنظر می‌گیرد، سپس برای هموار کردن راه او جهت وصول به این معانی بلند، تصاویر بکر و پویایی می‌آفریند که در عین حال که با لطافت هر چه تمام‌تر مفهومی ماندگار از آن مضمون را در ذهن مخاطب حک می‌کند، خود هنری والا و ادبیاتی فاخر را به‌نمایش می‌گذارد که با هر ذوق سلیم و ذهن خلاق همسویی دارد.

می‌توان گفت در تصاویر تشبیهی امام (ع)، عناصر طبیعت جاندار ظهور و تکراری بیشتر از اجزای بی‌جان طبیعت دارند و این نیز بدان سبب است که عناصر طبیعت جاندار، حرکت و پویایی بیشتری به تصاویر می‌بخشند و با ذهن مخاطب همسویی عمیق‌تری دارند و چون عناصر زنده طبیعت، خود فعال، متحرک و دارای عمل و عکس‌العمل هستند، جنبه‌های شخصیتی و وجوه موضوعی تأثیرگذارتری دارند.

پرکاربردترین عناصر زنده طبیعت در *نهج‌البلاغه*، انواع حیوانات بادیه، شتر و اندکی نیز انسان است. حضور مکرر حیواناتی چون گرگ، کفتار، شیر، شترمرغ، سوسمارهای صحرائی، مار، گله‌های شتر، تصاویر ادبیات جاهلی و بادیه‌نشینان را به‌اندازه‌ای ترسیم کرده است که آدمی را به‌راحتی مجاب می‌کند که *نهج‌البلاغه* را از حیث ظهور این‌گونه تصاویر، متعلق به ادب دوره جاهلی به‌شمار آورد؛ خصوصیتی که شاید این تصاویر را برای ذوق

انسان امروزی اندکی غریب و خشن جلوه دهد و از سویی نیز باعث جذابیت و دیرپاب‌شدن تصاویر آن شود.

تصاویر برگرفته از طبیعت بی‌جان مانند چشمه، کوه، سنگ، گیاهان، راه‌ها و بیابان‌ها هم در نهج‌البلاغه کم نیست که به فراخور موضوعات مختلف از آنها استفاده شده است و باز هم‌رنگ و حال و هوای طبیعت جاهلی را با خود دارد.

در نهج‌البلاغه، مشابه اغلب، انسان‌هایی هستند که در یک ویژگی نه‌چندان پیچیده و دور از ذهن، به حیوانات مختلف صحرا مانند شده‌اند و یا فتنه‌ها به شتری تشبیه شده‌اند که فتنه‌جویان آن را مهار کرده و بر آن نشسته‌اند و برای اهداف شوم خود به پیش می‌رانند. امیر مؤمنان (ع) برای فهماندن اهمیت و ضرورت تقرب به درگاه الهی به مخاطب، از چند تصویر متوالی و دقیق و تکان‌دهنده استفاده می‌کند:

به خدا اگر همچون شتر بچه‌مرده بنالید و چون کبوتر جفت از دست‌داده بانگ برآورید و چون راهب تارک دنیا فریاد زنید و مال و فرزندان را رها کنید تا به قرب الهی برسید و رتبه شما افزون شود یا گناهان شما بخشیده شود، گناهی که در نامه‌های شما ثبت شده است و فرشتگان آنها را از خاطر نبرده‌اند، این همه درمقابل ثوابی که از خدا برای شما امید دارم و کیفر او که از آن بر شما درهراسم، بسی اندک و ناچیز است. (نهج‌البلاغه: ۴۴)

انتظار فرارسیدن حاکمیت و زمامداری صالحان، در تصاویر کلام امیر مؤمنان (ع)، چون انتظار بارش باران برای قحطی‌زدگان است. در این تصاویر، حاکمیت جائران و ستمکاران همچون نزول قحطی و شیوع تشنگی و گرسنگی ترسیم شده و حاکمیت صالحان و عدالت‌پیشگان چون بارش قطرات احیاگر باران تجسم یافته است که مردم قحطی‌زده را نجات می‌دهد و شادابی و طراوات و نشاط و حیات را به‌ارمغان می‌آورد؛ و این نمونه‌ای از گرایش به خرمی، سرسبزی و وفور نعمت و گریز از خشم و خشونت طبیعت را در مقوله طبیعت‌گرایی خطبه‌ها نشان می‌دهد. در مقابل، امام علی (ع) زمامداران بنی‌امیه را به شتران بدخو و سرکشی تشبیه می‌کند که صاحبان خود را به دندان می‌گیرند، با دستشان بر سر او می‌کوبند و با پای وی را از خود دور و از شیر خود منع می‌کنند:

... وایم‌الله لتجدن بنی‌امیه لکم أرباب سوء بعدی، کالنبالضروس: تعذب بفيها و تخبط بیدها و تزين برجلها و تمنع درها. (نهج‌البلاغه: ۸۶)

در این تمثیل زیبا، حال حاکمان بنی‌امیه در برابر صالحان اصلی قدرت (مردم) به‌تصویر کشیده شده است. بدترین شتر آن است که صاحبش نه می‌تواند سوارش شود، نه می‌تواند

شیرش را بدو شد و نه از تندخویی او در امان است. حاکمان بنی امیه به چنین شتری تشبیه شده‌اند و حال مردم در برابر بنی امیه، حال صاحب چنین شتر بی‌ارزشی است.

بدخویان جاهلی در خطبه ۱۶۶ به تخم شتر مرغ تشبیه شده‌اند که در گودالی در ریگستان گذاشته شده باشد: اگر آن را بشکنند، گناه است و اگر رهایش کنند، ممکن است ماری سیاه در درون آن باشد. (نهج البلاغه: ۱۷۳)

امام علی (ع) در خصوص افراد گریزان از جهاد نیز تعابیر و تصاویر زیبایی به کار برده و در آن، نفرت خود را از گریز از جهاد و مبارزه در راه خدا اعلام کرده است. آن حضرت (ع) در خطبه ۱۲۳ کسانی را که از صحنه جنگ می‌گریختند، به گله‌ای از سوسمارها تشبیه کرده است: گویی شما را می‌نگرم صغیر زنان و در حال فرار، چون گله‌ای از سوسمار که می‌خزند و تشنان به هم می‌ساید و آوایی نرم از آن برمی‌آید؛ نه حقی را می‌گیرید و نه ستمی را بازمی‌دارید. این شما یید و راهی که پیش روی دارید؛ رهایی از آن کسی است که خود را به‌خطر افکند و تباهی از آن کسی است که در کار درنگ کند. (نهج البلاغه: ۱۲۱)

امام (ع) در خطبه ۳۹ نیز با استفاده از ابزار تشبیه، شدت عصبانیت و نارضایتی خود را از کسانی که از شرکت در جهاد خودداری کردند، به‌تصویر کشیده است:

شما را به یاری برادرانتان خواندم. همچون شتری که از درد سینه می‌نالد و زخم پشت، او را از رفتن بازمی‌دارد، ناله در گلویتان شکستید و بر جای خویش نشستید. سرانجام عده‌ای نگران و ناتوان نزد من آمدند؛ کسانی که گویی آنها را به سوی مرگ پیش می‌برند و آنان نظاره می‌کنند. (نهج البلاغه: ۳۸)

در خطبه ۱۳۱، تشبیهی پویا و دقیق درباره حق‌گريزان به‌کار رفته است. در این خطبه، حق‌گريزان به بزغاله‌هایی تشبیه شده‌اند که از غرش شیر می‌رمند:

ای مردم رنگارنگ، با دل‌های پریشان و ناهماهنگ! تن‌هاشان عیان و خردهاشان از آنان نهان. در شناخت حق شما را می‌پرورانم، همچون دایه‌ای مهربان؛ و شما از حق می‌رمید چون بزغالگان از بانگ شیر غران. هیهات که به یاری شما تاریکی را از چهره عدالت بزدايم و کجی را که در حق راه یافته است، راست سازم. (نهج البلاغه: ۱۲۹)

وقتی به تماشای تابلوهای طبیعی و ساده‌ای که امام پارسایان با استعانت از حیوانات محیط طبیعی خلق کرده است، می‌نشینیم، نگارگری خلاق و خوش ذوق می‌بینیم که از سویی پیوند عمیقی میان ذهن مخاطب و طبیعت ساده و ابتدایی پیرامونش برقرار کرده و از سویی دیگر تصاویری ماندگار آفریده و خرمنی از گوهرهای چشم‌نواز معانی و مفاهیم

ارزشی را در دامان نسل‌های مختلف ریخته است، تصاویری که نه هرگز کهنه می‌شوند و نه ذهن مخاطب را به راحتی ترک می‌کنند، تصاویری که موضوع مورد بحث و وجه شبه خود را چون نقش بر سنگ در دل و جان آدمی می‌نشانند اگر چه بخش زیادی از آن عناصر اینک جزء اجزای محیط زندگی فعلی ما نیستند.

در بررسی تصاویر برگرفته از طبیعت در نهج‌البلاغه در یافتیم که برخلاف اکثر تصاویر بسیار ساده و بیرونی و به دور از هرگونه زمینه عاطفی در این دوره ادبی، تصاویر تشبیهی امام(ع) از عاطفه انسانی عمیق و تأثیرگذاری سرشارند، و هیچ‌کس همچون امیر بیان نمی‌تواند زبان گویای عواطف انسانی باشد. اعلام خشم و نارضایتی از حق‌گريزان و دوری‌کنندگان از راه صحیح، بیان چهره ناخجسته دنیازدگی و مادی‌گرایی، تصویر تقوا و قرب الهی و صدها مضمون برگرفته از متن دین و منطبق با فطرت سلیم بشری، در خطبه‌های نهج‌البلاغه جلوه‌گر شده است.

۳. کاربرد شیوه‌روایی در تشبیهات

نکته قابل توجه دیگری که در واکاوی هنری تصاویر خطبه‌های امام(ع) جلب نظر می‌کند، صحنه‌پردازی و شیوه‌داستان‌پردازی تشبیهات به‌کاررفته در هنر سخنوری آن حضرت(ع) است. حضرت امیر(ع) از رهگذر این تصویرگری داستانی، بسیاری از وصف‌های تشبیهی خود را سرشار از حرکت و زندگی کرده به‌گونه‌ای که اغلب تشبیهات ایشان در نوعی روایت تفصیلی جاری بوده و با گونه‌ای بیان روایی همراه است. این بیان روایی، سبب قوت و وسعت مضامین و بالابردن سطح دقت و توجه شنونده و خواننده مطالب می‌شود. حضرت(ع) می‌کوشد در تصاویر خود، شناختی تازه از این دنیای گسترده به شنونده هنر خود بدهد و او را با کشف‌هایی که خود از محیط پیرامونش حاصل کرده است، آشنا سازد؛ کشف‌هایی که بخشی از آنها متعلق به لحظه‌های گذرای زندگی است. در این دنیای داستانی، پرندگان، حیوانات و اجزای طبیعت در کنار هم و جدای از هم به وصف کشیده می‌شوند. همه اجزایی که امام(ع) آنها را توصیف می‌کند، در نهایت تشکیل دهنده کلیت دل‌انگیزی هستند که اگرچه ترسیم آنها هدف غایی امام(ع) نبوده، حاصل همان دقتی است که او در اجزای طبیعت داشته است. خطیب نهج‌البلاغه در توصیف جزئی از طبیعت، به‌گونه‌ای عمل می‌کند که اجزا و مظاهر دیگر محیط نمی‌تواند ذهن او را برآید. تصاویر تشبیهات در خطبه‌ها، سرشار از ترسیم صحنه‌هایی است که هر یک به‌تنهایی یک داستانک است دارای

شروع، خاتمه، و شخصیت‌هایی پرتحرک که برای بیان یک رسالت معنوی عظیم طراحی شده‌اند، موضوع و تم اصلی داستان، اوج، گره‌گشایی و نتیجه‌گیری، و مضمونی محوری. امام علی(ع) حال انسان را که مدتی کوتاه در دنیا اقامت و سپس آن را ترک می‌کند، به حال مسافرانی تشبیه کرده است که مدتی کوتاه در جاهایی از منزلگاه‌های راه اقامت می‌کنند، سپس به راه خود ادامه می‌دهند تا به منزل دائم خود برسند:

بندگان خدا، شما را سفارش می‌کنم این دنیا را که وانهنده شماسست، واگذارید، هرچند وانهادن آن را دوست نمی‌دارید؛ دنیایی که تن‌ها را کهنه می‌کند، هر چند که نوشدن آن را خوش دارید. مثل شما و دنیا، چون گروهی همسفر است که به راهی می‌روند و تا درنگرند، آن را می‌سپرنند و یا قصد رسیدن به نشانی کرده‌اند و گویی بدان رسیده‌اند. (نهج‌البلاغه: ۹۱)

امیر مؤمنان(ع) در خطبه ۱۷۵، تمثیل دیگری در وصف حال غافلان از حق ارائه کرده است. در این تمثیل، حال غافلان از حق - که از منبع رحمت فاصله گرفته و به غیر دل بسته‌اند و در نتیجه در معرض هلاکت قرار گرفته‌اند - به حال چهارپایانی تشبیه شده که چوپان آنها را در کشتزاری ویاخیز و درکنار آبخوری زهرآلود رها کرده است. امام(ع) بلافاصله با تصویر تمثیلی دیگر، تصویر قبل را تکمیل می‌کند و حال غافلان از حق را به حال گوسفندی تشبیه می‌کند که دائم می‌چرد تا فربه شود و زیر کارد رود، لیکن نمی‌داند از او چه می‌خواهند و با او چه می‌کنند؛ اگر به آن نیکی کنند، روز خود را روزگاری به‌شمار آورد و سیری خود را پایان کار پندارد:

أيها الغافلون غير المغفلون عنهم والتاركون المأخوذ منهم، مالي أراكم عن الله ذاهبين وإلى غيره راغبين. كأنكم نعم أراح بها سائم إلى مرعى وبى و مشرب دوى. أنما هي كالمعلوقه للمدى لاتعرف ماذا يراد بها، إذا أحسن إليها تحسب يومها دهرها، و شبعها أمرها. (نهج‌البلاغه: ۱۸۱)

امام علی(ع) در نکوهش مردم عراق، تمثیلی زیبا، دقیق و هشداردهنده به کار می‌برد، که در آن زشتی کارها و برخی ادعاهای کذب اهل عراق علیه امام(ع) به‌خوبی ترسیم شده است. امام(ع) در این تمثیل، حال مردم عراق را به حال زن حامله‌ای تشبیه می‌کند که وقتی زمان بارداری اش به‌پایان می‌رسد، کودک خود را مرده به‌دنیا می‌آورد، سرپرست او نیز از دنیا می‌رود، مدتی طولانی بدون همسر می‌ماند و دورترین فرد به وی، میراث او را می‌خورد:

أما بعد يا أهل العراق فإنما أنتم كالمرأة الحامل حملت حملها، فلما أتت أملت و مات قيمها و طال تأيمها و ورثها أبعدها. أما والله ما أتيتكم اختياراً ولكن جئت إليكم سوقاً ولقد بلغني أنكم

تقولون علیّ یكذب. قاتلکم الله فعلی من أكذب. أعلی الله؟ فأنا اول من آمن به. أم علی نبیّه؟ فأنا اول من صدقه. (نهج‌البلاغه: ۵۴)

چنان‌که ملاحظه می‌شود، هر یک از این تصاویر خود داستانی پندآموز و یا دست‌کم مجموعه‌ای از چند تصویر و صحنهٔ پرتحرک به‌هم پیوسته است که بار عظیمی از معانی، عتاب و خطاب‌ها، سرزنش‌ها و اندرزها را به‌دوش دارد. امام (ع) به‌عنوان خالق مضامینی ناب و درخشان در قالب تشبیهات جذاب، توصیف‌گر لحظات گذرای زندگی می‌شود و تغییر نمودهای لحظه به لحظهٔ پیرامون خود را از نظر دور نمی‌دارد؛ و از این نظر، کار او را با نقاشان امپرسیونیسم مانند کرده‌اند، زیرا نقاش امپرسیونیسم هم به دگرگونی جلوه‌ها و رنگ‌های اشیا در ابعاد و لحظه‌ها توجه دارد و هر تصویر او تحت تأثیر یک مؤثر خارجی که مثلاً می‌تواند زاویهٔ تابش نور خورشید و یا چگونگی جمع‌شدن دسته‌ای از حیوانات باشد، تغییر می‌کند. (امامی، ۱۳۷۱: ۲۸)

۴. بررسی شکلی و ساختاری تشبیهات

بررسی ویژگی‌های ساختاری تشبیهات موجود در خطبه‌های امام (ع) از قبیل وضعیت مشبه و مشبه‌به از نظر حسی و عقلی بودن، درخشش و چشم‌گیر بودن و شبهه و ضعف و قوت آن، مرسل، بلیغ و یا تمثیلی بودن تشبیهات و مسائلی از این دست می‌تواند دریچه‌ای بر روی کیفیت کارکرد شکلی تشبیهات امام (ع) بگشاید. آنچه در تصویرسازی‌های امام (ع) جلوهٔ خاص دارد، نگاه تشبیهی ایشان به مسائل انتزاعی پیرامونی است. به تعبیری می‌توان گفت ایشان از میان صور خیال گوناگون، عنایت ویژه‌ای به تشبیه‌های مادی و حسی داشته‌اند. البته، تردیدی نیست که این استفاده از تشبیهات حسی، نمودی از ادبیات برون‌گرای زمان ادیب است؛ اما در واقع امیرالمؤمنین (ع) می‌کوشد از تشبیهات به‌عنوان پلی بین پدیده‌های عینی و ذهنی استفاده کند؛ و همین رویکرد و احساس نیاز به حرکت از ذهنیت به‌سوی عینیت و انتقال مفاهیم انتزاعی در قالبی عینی و ملموس، سبب شده است که تشبیهات عقلی به حسی نیز در مجموعهٔ تصاویر تشبیهی امام (ع) فراوان یافت شود و سطح کیفی تشبیه‌ها آن‌قدر مطلوب باشد که در مرزهای یک استعارهٔ خلاق و دلنشین قرار گیرند.

امام (ع) در بیانات و تعابیر خویش، از تشبیه تمثیل فراوان استفاده کرده است. علت این است که تشبیه تمثیل برای موضوعاتی چون حکمت، زهد و اندرز و مباحث انتزاعی و تفهیم مباحث عقلی، کلامی و اخلاقی بسیار متناسب است و کارآیی و تأثیرگذاری فراوان دارد. در قرآن کریم نیز در موضوعاتی از این دست، تشبیه تمثیل بسیار به‌کار رفته است.

در خطبه‌های امیر مؤمنان(ع)، یک یا چند موضوع کاملاً مرتبط و منسجم محوریت دارند و کل خطبه براساس آنها سامان‌دهی شده است؛ و در این میان، از تشبیهات متناسب با محتوا و سامان‌دهی کلی خطبه استفاده شده است.

امام علی(ع) به تناسب اهمیت موضوع و نیاز مفهوم به تقریر و تفهیم و توضیح، از تکرار و تعدد صور خیال و از جمله تشبیه استفاده می‌کند. غالب تشبیهات امام(ع) بلیغ هستند؛ و آن حضرت(ع) از تشبیه در قالب مفعول مطلق نوعی بسیار استفاده می‌کند که از انواع تشبیه بلیغ به‌شمار می‌رود؛ از جمله:

يخضمون مال الله خضمة الإبل نبتة الربيع. (نهج البلاغه: ۱۰)
لاضطربتم اضطراب الأرشية في الطوى البعيدة. (نهج البلاغه: ۱۳)

تشبیهات امام علی(ع) بسیار دقیق است. این دقت گاهی با افزودن قیودی به شبهه ایجاد می‌شود تا مقصود گوینده به‌طور کامل و دقیق به مخاطب منتقل شود؛ برای مثال، امام(ع) گناهان را به اسب‌های چموش تشبیه کرده و سپس برای ایجاد ظرافت و دلالت دقیق، قیدی به این تشبیه افزوده است، و آن اینکه زمام اسب چموش رها شده است و در دست صاحبش نیست:

ألا إن الخطايا خيل شمس حمل عليها أهلها و خلعت لجمها فتقحمت بهم في النار. (نهج البلاغه: ۱۷)

همچنین امام(ع)، حال غافلان را به چهارپایانی تشبیه کرده که چوپان آنها را در کشتزاری رها کرده است؛ سپس برای ایجاد ظرافت و دلالت دقیق بر مفهوم مورد نظر، قید دیگری به تشبیه اضافه کرده و فرموده است: در آن کشتزار، آبخوری زهرآلود هم وجود دارد. (نهج البلاغه: ۱۸۱) البته، منظور صرفاً تشبیه مقید نیست، بلکه این مفهوم، تشبیه تمثیل را - که وجه شبه در آن حالت مرکب از اجزاء متعدد است - نیز دربر می‌گیرد و در آن تعدد زوایا و جهات مورد نظر، دقت و ظرافت تشبیه را می‌افزاید.

گاهی دقت و ظرافت در انتقال پیام با به‌کارگیری چند تشبیه موازی صورت می‌گیرد، به این معنی که یک مفهوم در چند تشبیه مکرر و در چند لباس مختلف جای می‌گیرد تا تأثیرگذاری آن بر مخاطب افزایش یابد، چنان‌که در تصاویر پی‌درپی دنیا، مرگ، آخرت، ... دیده می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

امام علی(ع) تشبیه را وسیله‌ای قرار داده است تا با برترین شیوه‌های کاربرد آن، مسائل

پیچیده ذهنی، فلسفی، حکمت، موعظه، ... را که از محدوده محسوسات و ملموسات خارج می‌باشند، در دسترس حواس پنج‌گانه - به‌ویژه بینایی و شنوایی - قرار دهد و پیام‌های مورد نظر را با خلاقیت و تیز هوشی به شنونده منتقل کند.

امام علی (ع) با استفاده از روش‌های مختلف، جذابیت و نفوذ تصاویر خطبه‌ها را افزایش داده و با بهره‌گیری از عناصر طبیعی، جانداران و تصاویر پرتحرک، زنده و دقیق، انتقال پیام‌های انسانی در زمینه‌ها و ابعاد گوناگون آسان کرده است.

منابع

- ابن الأثیر، ضیاءالدین (۱۹۶۲م). *المثل السائر فی ادب الکاتب والشاعر*، قدمه و حقه احمد الحوفی والبدوی، مصر: نشر مکتب النهضة.
- ابن رشیق القيروانی، ابوعلی حسن (۱۴۱۶ق). *العمدة فی محاسن الشعر آدابہ و تقده*، قدم له و شرحه و فهرسه صلاح‌الدین الهواری، القاهرة: دارالهلال.
- ابن منظور، ابو الفضل جمال‌الدین محمد (۱۴۱۲ق). *لسان‌العرب*، بیروت: مؤسسه‌التاریخ‌العربی.
- ابوحق، احمد (۱۹۸۸م). *البلاغه و التحلیل الادبی*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- امامی، نصرالله (۱۳۷۱ق). *منوچهری دامغانی ادوار زندگی و آفرینش‌های هنری*، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- امین، احمد (۱۹۲۸م). *فجر الاسلام*، مصر: مطبعة الاعتماد.
- التفتازانی، سعدالدین (۱۳۸۳ق). *مختصر المعانی*، بیروت: دارالفکر.
- جرdaq، جرج (۱۴۰۹ق). *الامام علی صوت العدالة الانسانية*، بیروت: دارالمهدی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲). *صورخیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.
- غزویب، رز (۱۳۷۸). *تقدی بر زیبایی شناسی و تأثیر آن بر نقد عربی*، ترجمه نجمه رجایی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- الفاضلی، محمد (۱۳۷۶). *دراسة و نقد فی مسائل بلاغیة هامة*، مشهد: فردوسی.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵). *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.
- الفیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (بی‌تا). *قاموس المحيط*، بیروت: دارالجیل.
- قائمی، مرتضی (۱۳۸۸). *سیری در زیبایی‌های نهج‌البلاغه*، قم: ذوی‌القربی.
- نهج‌البلاغه (۱۳۸۴). *ترجمه سیدجعفر شهیدی*، تهران: علمی و فرهنگی.